

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: حمید محوی
۰۸ اگست ۲۰۱۵

جهانی سازی جنگ متن سخنرانی ویدئویی میشل شوسودوسکی

پیشگفتار مترجم:

ترجمه حاضر از روی متن نوشته صورت نگرفته و به همین علت تا حدودی در ترجمه شکل محاوره ای سخنرانی میشل شوسودوسکی را حفظ کرده ام. این قطعه در عین حال کاملاً در رابطه مستقیم با تحلیل میشل کولن قابل بررسی می باشد که دیروز تحت عنوان « شارلی، ایالات متحده امریکا، داعش : ۷ دروغ رسانه ای» منتشر کردم:

<http://www.hafteh.de/?p=99518>

مزیت سخنرانی ده دقیقه ئی میشل شوسودوسکی در این نکته نهفته است که چشم انداز جنگ ها و هرج و مرج جهان معاصر را به اختصار ترسیم می کند. از دیدگاه من این قطعه می تواند برای خوانندگان راهنمای مقدماتی برای تمام مقالات و تحلیل های مشابه باشد. علاوه بر این در رابطه با رویدادهای اخیر در پیوند با رویکرد کشورهای که به رهبری ایالات متحده گوئی علیه داعش بسیج شده اند... و همه نیز باور کرده اند، در نتیجه تحلیل میشل شوسودوسکی می تواند به عنوان قطب نما برای ما عمل کند : داعش و دیگر شاخه های القاعده، تروریست های افراطی و تروریست های میانه رو... تماماً ابزار کار سیاست «تخریب سازنده» «هرج و مرج سازنده» و سلطه جویانه امپریالیسم جهانی و برای تداوم و حفظ نظام سرمایه داری و جامعه طبقاتی در سطح جهانی می باشد. فراموش نکنیم که معنای دیگر جهانی سازی اتحاد سرمایه و سرمایه داران، اتحاد ثروت علیه فقر پراکنده در سر تا سر جهان است. در برخی مقالات تحلیلی حتی در تحلیل های تی پری میسان که من به شکل دائمی او را ترجمه می کنم، می بینیم که گاهی از تغییر سیاست تروریستی امریکا و یا ترک طرح تجزیه کشورها و یا از کف دادن کنترل اوضاع گفته می شود... که «داعش برای غرب خطرناک شده» در تمام این موارد باید تردید کرد. تلاش نظام سرمایه داری برای حفظ منافع غیر قانونی و چپاول منابع مادی و معنوی کره زمین به بهای تخریب کشورها و مناطق و کشتار مردم و آواره کردن میلیون ها از بین توده های بی دفاع متوقف نشده و تا زمانی که با مقاومتی جانانه روبه رو نشود (از سوی کی ؟ و چگونه ؟) متوقف نخواهد شد. سیاست جنگ غیر مستقیم علیه ایران نیز ممکن است از حالت مقدماتی و پنهان بیرون بیاید، چندی پیش بین ناظران مرزی ایران در مورد فاصله امارات اسلامی (داعش) با مرز ایران اختلاف نظر پیش آمده بود ... در هر صورت نظام سرمایه داری وابسته و معامله گر که در ایران کنونی شیخ حسن روحانی و در خارج از کشور اپوزیسیون های پنتاگونی و لیبرال ها و جی آی جوهای ایرانی پنتاگونی نمایندگی آن را به عهده دارند، دست کمی از جنگ غیر مستقیم علیه مردم ایران ندارد. در هر صورت در تمام جوامع طبقاتی جنگ غیر مستقیم جریان دارد (مبارزه طبقاتی)، ولی در

جوامع عقب مانده که خصوصاً تحت سیطرهٔ امپراتوری بهیمی و خرد گریز دین اسلام به سر می برند، حتی وقتی جنگ تروریستی در سطحی که در سوریه یا عراق و لیبیا و برخی از کشورهای جنگ زدهٔ افریقا و یا امریکای جنوبی مشاهده می کنیم وجود نداشته باشد، بی گمان می بایستی خود مباشران امپریالیسم جهانی یعنی تشکل طبقاتی آنها را که بورژوازی کمپرادور می نامیم، به عنوان نوعی جنگ تحمیلی و غیر مستقیم علیه مردمی که بر آن حکومت می کنند تلقی کنیم...

حمید محوی/ پاریس/ ۷ اگست ۲۰۱۵

جهانی سازی جنگ

متن سخنرانی ویدئویی میشل شوسودوسکی

ترجمه توسط حمید محوی



امروز جنگ را به عنوان عملیات بشردوستانه علیه تروریسم به نمایش می گذارند، و این تروریست ها نیز به عنوان دشمن جامعهٔ غربی معرفی می شوند، در حالی که ما می دانیم شبکه هائی مانند القاعده و امارات اسلامی (داعش) توسط سرویس های اطلاعاتی سازمان سیا و به همچنین سرویس های اطلاعاتی بریتانیائی و اسرائیلی بوده، به این معنا که این گروه های تروریستی در واقع ابزار قدرت امریکا هستند. به طور خلاصه نقش این تروریست ها هدایت جنگ ها و عملیات تروریستی به هدف بی ثبات سازی کشورها بوده، و این واقعیت را در سوریه و عراق به روشنی می بینیم. از سوی دیگر، تروریست ها نقش دیگری نیز به عهده دارند و آن هم این است که به عنوان بهانه برای مداخلات نظامی به کار برده می شوند. در این معنا، دولت اسلامی یا امارات اسلامی دشمن شمارهٔ یک جهان غرب و تهدیدی برای امنیت جهانی است، و همه به این داستان باور می کنند، در حالی که از تاریخ جنگ شوروی در افغانستان پروندهٔ حجبی در اختیار داریم که نشان می دهد که القاعده و سازمان های وابسته به آن اختراع سازمان سیا است، یعنی آنچه که اسلام سیاسی می نامیم و توسط ایالات متحده و هم پیمانانش برای بی ثبات سازی و تخریب کشورها مورد استفاده قرار می گیرد. وضعیت کنونی عبارت است از گسترش جنگ به خاور میانه، که البته جنگ مفرد نیست بلکه جنگ منطقه ئی بوده، یعنی بر پا کردن جنگ در عراق و سپس در سوریه، در واقع وقتی از جنگ منطقه ئی حرف می زنیم، این منطقه از شرق دریای مدیترانه تا آسیای مرکزی را در بر می گیرد که صحنه های جنگ مختلفی را در بر می گیرد

که در عراق و سوریه ولی به همچنین افغانستان و احتمالاً پاکستان جریان پیدا می کند، یعنی جاهائی که ایالات متحده در عملیات تروریستی سهیم می باشد و در نتیجه می بینیم که جنگ منطقه ئی شکل می گیرد و در عین حال ایران را نیز هدف می گیرد. این منطقه، منطقه ای بی ثبات است (یا منطقه ای که باید بر اساس الزامات امپراتوری بی ثبات شود)، موضوع کشور نیست بلکه سرزمین و منطقه است، زیرا به ویژه تخریب زیر بناهای اقتصادی و سامانه های نفتی در عراق و سوریه به تخریب اقتصاد ملی و تبدیل کشور به سرزمین (یا منطقه نفوذ) می انجامد، و این هدف ایالات متحده در خاورمیانه است، یعنی تخریب برای تسخیر و کلونیزه کردن این سرزمین ها. باید دانست که این جنگ ها در پیوند تنگاتنگ با جهانی سازی و قدرت اقتصادی می باشد، یعنی جنگ برای پیروزی اقتصادی بوده که در مجموعه رویدادهای تاریخی واقع شده که از پایان جنگ جهانی دوم شروع می شود و در اقصا نقاط جهان گسترش یافته. در این صورت می توانیم از جهانی سازی جنگ حرف بزنیم، زیرا ایالات متحده تقریباً در همه جا توسط مرکز فرماندهی منطقه ئی حضور دارد. در این مورد می توانیم از اقدامات این کشور علیه چین یاد کنیم، به ویژه با ایجاد پایگاه نظامی در کوریای جنوبی، ولی کشورهای دیگری نیز در این اقدامات شرکت دارند، به ویژه استرالیا، فیلیپین، حتی ویتنام که در گذشته هدف قرار گرفته بود به همپیمان ایالات متحده تبدیل شده، و در عمل ایالات متحده هم پیمانانش را بین کشور های شکست خورده جست و جو می کند. بر این اساس فیلیپین، کامبوج، اندونیزیا و ویتنام به متحدان ایالات متحده علیه چین تبدیل شده اند.

در حال حاضر ما با یک جنگ قدرت طلبانه و سلطه جویانه سروکار داریم که در تمام جهان به شکل هم زمان عملیات انجام می دهد. این جنگ الزاماً جنگ متعارف نیست. مداخله نظامی کلاسیک نیست، و غالباً در اشکال جنگ نا متعارف صورت می گیرد. برای عملیات بی ثبات سازی از گروه های تروریستی به عنوان ابزار استفاده می شود. این موضوع را می توانیم در کشورهای مختلف مشاهده کنیم، به عنوان مثال می توانیم به نیجریه اشاره کنیم، در آنجا بوکو حرام را داریم و چنان که می دانیم این سازمان توسط سرویس های امریکائی پشتیبانی می شود، در مغرب و لیبیا همواره از شبکه های گروه القاعده هستند که جملگی بی هیچ استثنائی به جعبه ابزار قدرت امریکا تعلق دارند. بی گمان افکار عمومی از این واقعیات هیچ اطلاعی ندارد، گرچه پرونده هائی در این زمینه ها وجود دارد و قابل دسترسی می باشد. ولی این جنگ ها را به عنوان جنگ های بشر دوستانه معرفی می کنند که باید از امنیت جهان غرب در مقابل گروه های جهاد طلب حفاظت کند. در حالی که این گروه های جهاد طلب محصول یک فرآیند سنتی طولانی در مداخلات نظامی است که از جنگ شوروی و افغان در پایان سال های ۷۰ آغاز شده و سازمان سیا و سرویس های اطلاعاتی ایالات متحده مجاهدین را استخدام می کردند تا جنگی را برای بی ثبات سازی راه اندازی کنند، یعنی بی ثبات سازی کشوری مدنی با نهادهای دولتی و اقتصاد ملی، و این اقتصاد ملی به نام جنگ علیه تروریسم ویران شد. این الگو در نقاط مختلف جهان به کار بسته شد، در یوگوسلاوی سابق، در بوسنی و کوزوو، و البته در لیبیا و سوریه... هدف در نهایت امر بی ثبات سازی و تخریب کشورها به هدف تبدیل آن به سرزمین یا منطقه نفوذ بوده است. این موضوع را در حال حاضر در عراق و سوریه می بینیم، عراق و سوریه دیگر دو کشور نیستند چون که مرزهایشان به روی یکدیگر باز شده و سرزمین وسیعی را در بر می گیرد، و امارات اسلامی (داعش) به هدف بی ثبات سازی فعال شده و به ویژه برای تسهیل مداخلات ایالات متحده و هم پیمانانش مانند بریتانیا و فرانسه. ظاهراً هدف از بین بردن امارات اسلامی (داعش) معرفی می شود ولی در واقع هدف اصلی تخریب زیربناها و دارائی های هر دو کشور است. در بمباران ها اگر می خواستند به شکل واقعاً مؤثر امارات اسلامی و ستون اتومبیل های توپوتا را تخریب کنند، می توانستند در مرز سوریه و عراق آنها را از طریق حمله هوائی به سادگی از بین ببرند. ولی هدف این مداخله که در حال حاضر از پشتیبانی بریتانیا و پارلمان بریتانیا و به همین گونه فرانسه و اتحادیه اروپا برخوردار است جست و جوی

تروریست ها و از بین بردن آنها نیست، بلکه کاملاً به عکس بهانه ای است برای مداخله که در پیوند با بنیادهای اقتصادی داشته، جنگ فتح و تسخیر سرزمین های ویران شده است.

در چنین وضعیتی افکار عمومی چیزی به جز توده ای از تخیلات مصنوعی نیست، زیرا امارات اسلامی و جریان جهاد طلب را به عنوان عناصر تهدید کننده جهان غرب معرفی می کنند، در حالی که بی هیچ ابهامی می دانیم که این گروه ها از سوی عربستان سعودی و قطر تأمین مالی می شوند و تروریست ها توسط ناتو استخدام شده اند در پیوند با مرکز فرماندهی ترکیه، و کشورهای همسایه نیز در این فرآیند فعالانه شرکت دارند. ولی از دیروز تا امروز عربستان سعودی را می بینیم که در پیوند تنگاتنگ با واشنگتن این تروریست ها را آموزش داده و پشتیبانی کرده و سازماندهی کرده است، ناگهان همین عربستان سعودی برای مبارزه علیه تروریسم به میدان می آید، در حالی که به روشنی می دانیم که این تروریست ها توسط اتحادیه غربی به همکاری متحدانش در خلیج فارس ایجاد شده است.

لینک ویدئو :

La mondialisation de la guerre

https://www.youtube.com/watch?feature=player_embedded&v=DWBsCyaWTgU&list=UUPLAYER_MondialisationTV

۷ اگست ۲۰۱۵